

هنر خوشنویسی و نقش وزرای عباسی در شکوفایی آن

۱ زیور احمدزاده

۲ طاهره عظیم‌زاده

۳ اردشیر اسدیگی

۴ محمد باغستانی کوزه گر

چکیده: با تأسیس حکومت عباسیان و ثبات سیاسی، خلفای عباسی به تشویق و ترغیب هنرمندان و گسترش هنر در زمینه‌های گوناگون همت گماردند. وزیران عباسی که خود خوشنویسان زبردست و ماهری بودند، زمینه سامان بخشیدن به خطوط اداری را در دارالخلافه فراهم کردند. در سایه توجهات آنان و کاهش دغدغه‌های اقتصادی هنرمندان، خوشنویسان مطرحی در این عصر پا به عرصه ظهور نهادند. نگارندگان این پژوهش بر آن‌اند تا با مطالعه متون تاریخی تأثیر وزیران دربار عباسی در گسترش و پیشرفت هنر خوشنویسی از عصر خلافت سفاح تا پایان خلافت الراضی (۱۳۲-۳۲۹ق) را مورد بررسی قرار دهند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که وزیران در این دوره اغلب از میان کاتبان دربار به وزارت خلفای عباسی منصوب می‌شدند و با در دست داشتن قدرت سیاسی و حمایت اقتصادی از هنرمندان خوشنویس و تربیت آنان، زمینه‌های خلق خطوط ظریف و بدیعی را در قرون سوم و چهارم قمری فراهم کردند. روش کار در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و با تکیه بر متون تاریخی سامان یافته است.

واژه‌های کلیدی: خوشنویسی، عباسیان، وزیران عباسی، برامکه، ابن مقله.

geo_ahmadzadeh@yahoo.com

Ta_azim@yahoo.com

jafar.asdbeigi@yahoo.com

mo_baghestani@yahoo.com

۱ دانشجوی مقطع دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

۲ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسئول)

۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

۴ استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

The Impact of Ministers of the Abbasids Ministers on the Development and Flourishing of the Art of Calligraphy

Zivar Ahmadzadeh¹

Tahereh Azimzadeh²

Ardeshir Asadbeigi³

Mohammad Baghestani Kozegar⁴

Abstract: With the establishment of the Abbasid caliphate and its political stability, the Abbasid caliphs made a great effort for encouraging the artists and spreading of art in various fields. The Abbasid ministers, who were skilled calligraphers, paved the way for organization of administrative writing scripts in the Dar al-Khalafah, and in the light of their attention and reduction of the economic burdens of the artists, prominent calligraphers emerged in this era. This study aims to investigate the impact of the ministers of the Abbasid court in the development of calligraphy from the rise of Safa'ah caliphate to the end of Al-Radhi caliphate (1329-329 AH) by reviewing the historical texts. The obtained results indicated that the ministers of this era were often appointed from among the court scribes and due to political power and economic support for calligraphers and their training, they provided the grounds for creation of delicate and original scripts in the third and fourth centuries AH. The research method is a descriptive-analytic study organized based on historical texts.

Keywords: Calligraphy, Abbasids, Abbasid ministers, Barmakids, Ibn Muqla.

1 PhD candidate, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran. geo_ahmadzadeh@yahoo.com

2 Associate Professor, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran. (Corresponding author)
Taherehazimzadeh.t@gmail.com

3 Assistant professor, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran. jafar.asdbeigi@yahoo.com

4 Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Research Institute. mo_baghestani@yahoo.com

مقدمه

هنر خطاطی از آغاز ظهور اسلام در میان مسلمانان از جایگاه والایی برخوردار بود. تأکیدهای مکرر قرآن بر اهمیت کتابت و ضرورت تدوین و حفظ قرآن از طریق نوشتن، مسلمانان را از همان نخستین سالها به فراگیری خط و ترویج خوشنویسی ترغیب کرد (صیرفی، ۱۳۸۷: ۱۵؛ سبزواری، ۱۳۷۲: ۱۰۶؛ سمعانی، ۱۳۸۱: ۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۵۲/۲). نقل روایات متعدد در زمینه کتابت مصحف شریف قرآن بدون توجه به صحت و سقم این امر و رواج آن در میان خوشنویسان قرون اولیه اسلام و به کارگیری این گونه روایات به منظور ترغیب مسلمانان به فراگیری خط و خوشنویسی، سبب رونق این هنر و تداوم آن در میان عامه مسلمانان شد.

در متون تاریخی یکی از نخستین افراد در کتابت مصحف شریف قرآن خالد بن ابی‌الهیاج از اصحاب امام علی(ع) است که در صدر اسلام به خوشنویسی و زیبانویسی شهرت داشت. ابی‌الهیاج در دربار ولید بن عبدالملک (حک: ۸۶-۹۶ق) به کتابت مصحف شریف قرآن، شعر و اخبار مشغول بود. مالک بن دینار (متوفای ۱۳۰ق) از دیگر خوشنویسانی بود که در اواخر عهد اموی به کتابت قرآن می‌پرداخت (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۲). عبدالحمید کاتب (متوفای ۱۳۲ق) نخستین کاتب ایرانی بود که به دربار امویان راه یافت. او مسلط به زبان و ادب عربی و رئیس دارالانشای مروان بود (ابن خلکان، ۱۴۱۹ق: ۲۲۹/۳؛ فروخ، ۱۹۵۰: ۸). مشهورترین خطاط و کاتب اواخر حکومت امویان، قطبه محرر (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۰۲؛ فضائی، ۱۳۶۲: ۱۷۸) بود که بیشتر کاتبان اوایل عهد عباسی از شاگردان و دست‌پروردگان او بودند. او را از نخستین پیشگامان تحول خط عربی از قلم کوفی برشمرده‌اند؛ زیرا در دوره‌های بعد قلم چهارگانه طومار، جلیل، نصف و ثلث را از قلم کوفی پدید آورد. هنر خوشنویسی از نیمه‌های قرن دوم قمری با روی کار آمدن عباسیان به صورت هنری بدیع و زیبا مورد توجه قرار گرفت و خوشنویسان در این دوره در سایه حمایت خلفای عباسی و وزیران آنان به پرورش ذوق و هنر خویش پرداختند. منابع کهن اسلامی روایاتی از حمایت‌های بی‌دریغ خلفا و وزرای عباسی در زمینه رواج و گسترش خطاطی نقل کرده‌اند که ظهور خوشنویسان زبردست گواه روشنی بر اهمیت این فن در آن روزگاران است (ر.ک. صولی، ۱۳۴۱ق: ۲۴؛ ناموس خواری، ۱۳۸۷: ۲۰).

در میان اشراف و امرا و درباریان، طبقه وزیران که اغلب قبل از تصدی مقام وزارت شغل کتابت و دبیری خلفا را برعهده داشتند، برخی از آنان خود به هنر خوشنویسی می‌پرداختند و در هر فرصتی زمینه‌های رشد و اعتلای هنر خوشنویسی را فراهم می‌کردند. در این میان، کاتبان ایرانی با توجه به پیشینه فرهنگی و تمدنی خویش علاقه فراوانی به خوشنویسی و ترویج این هنر بدیع از خود نشان داده‌اند. هنردوستی و ذوق هنری آنان و پشتکار در فراگیری این هنر فاخر سبب شده بود که به تدریج پای ایرانیان به دارالخلافه خلفای عباسی به عنوان کاتب باز شود.

روش تحقیق

در این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر متون تاریخی و آثار خوشنویسی بر جای مانده از عصر عباسی، به اقدامات وزیران در زمینه پیشرفت و گسترش هنر خوشنویسی پرداخته شده است. محدوده پژوهش از آغاز خلافت عباسی سال ۱۳۲ق. تا پایان سال ۳۳۴ق. را در برمی‌گیرد که براساس تقسیم‌بندی طقوش (۱۳۹۴: ۲۷) خود به دو دوره تقسیم می‌شود: عصر اول از خلافت ابوالعباس سفاح تا پایان خلافت واثق (۱۳۲-۲۳۲ق) عصر طلایی و شکوفایی عباسی و عصر دوم از آغاز خلافت متوکل تا خلافت مستکفی (۲۳۲-۳۳۴ق) که دوران نفوذ ترکان و ضعف خلافت است.

پیشینه پژوهش

منابع ارزشمندی در زمینه هنر خوشنویسی، تاریخ خط و خطاطی به رشته تحریر درآمده است. این منابع به سیر تاریخ خوشنویسی از ابتدای دوران اسلامی تا دوره معاصر پرداخته‌اند. مقاله‌هایی مانند «ابن مقله مخترع خط» از حسین بهشتی (۱۳۲۴)، «ابن مقله شیخ الخطاطین» از ادیب کمال‌الدین (۱۴۱۸ق)، «احوال خطوط اسلامی در آغاز قرن چهارم هجری و ظهور ابن مقله» از بدیع‌الله دبیری نژاد (۱۳۴۸)، «بحران وزارت در عصر دوم عباسی و نقش ابن مقله» نوشته سید احمد رضا خضری (۱۳۷۹) و کتاب‌هایی با عنوان وزیر مثلث از حسن وزیری (۱۳۸۱)، ابن مقله از علی‌اکبر ولایتی (۱۳۹۰) به نگارش درآمده است که در این پژوهش‌ها تنها به عملکرد ابن مقله وزیر مشهور عباسی در هنر

خوشنویسی پرداخته شده است. نگارندگان این پژوهش علاوه بر این مقله به معرفی دیگر وزیران عصر عباسی که در زمینه خوشنویسی و ابداعات خطوط نقش اساسی داشته‌اند، پرداخته‌اند. همچنین علاوه بر وزیران خوشنویس، به شناساندن عملکرد برخی از وزیران که خود خطاط نبودند، اما بستر مناسبی را برای عرضه هنر خوشنویسی ایجاد کردند و سبب شکوفایی این هنر شده‌اند، پرداخته‌اند که از این بُعد پژوهشی نو و متفاوت است.

۱. عصر اول عباسی و زمینه‌های گسترش هنر خوشنویسی (۱۳۲-۲۳۲ ق)

الف. خاندان برامکه حامی هنر خوشنویسی

خاندان ایرانی برامکه با پیشینه فرهنگی و تمدنی درخشان از نخستین وزرای ایرانی دربار عباسی بودند که به خطاطی و زیبانویسی دلبستگی فراوانی داشتند. یحیی بن خالد برمکی (۱۹۰ ق) وزیر کاردان و بادرایت هارون الرشید خود از خوشنویسان زبردست، ماهر و دوستدار این هنر بود (سجادی، ۱۳۸۵: ۴۳) و در مدت وزارتش بنا بر نظر مورخان بانی فعالیت‌های فرهنگی، علمی و هنری فراوانی بود؛ به گونه‌ای که از تشویق اهل هنر و به‌ویژه خوشنویسان مضایقه نمی‌کرد. یحیی بن خالد برمکی به فنون کتابت و خطاطی بسیار آگاه بود و اعتقاد داشت: «خط در حکم یک پیکره است، روح و جان آن معنای آن است که از آن مستفاد می‌شود. دست‌های آن، سرعت است و پاهای آن، یکنواختی و اعضای آن، وقوف بر تنظیم فواصل است» (همایونفرخ، ۱۳۵۰: ۶۷۸). خاندان برامکه برای نشان دادن جایگاه والای فرهنگ و هنر ایرانی و همچنین رواج آن در سرزمین‌های اسلامی از هر فرصتی استفاده می‌کردند و هنرمندان ایرانی بااستعداد را تحت حمایت خویش وارد دارالخلافه عباسی می‌کردند و از دانش هنری آنان برای رشد و اعتلای هنرهای مختلف استفاده می‌کردند.

اسحاق بن حماد (متوفای ۱۵۴ ق) و برادرش ضحاک از نخستین کاتبان و خطاطان دربار عباسی بودند که هنرشان در خوشنویسی شهره خاص و عام بود. اسحاق بن حماد دبیر خلیفه المهدی (حک: ۱۵۸-۱۶۹ ق) در سایه حمایت خلیفه عباسی و وزیرانش، اولین مدرسه خوشنویسی را در جهان اسلام پایه‌گذاری کرد (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱) و به تربیت و آموزش خوشنویسان پرداخت. از مشهورترین و برجسته‌ترین شاگردان اسحاق دو برادر اهل

سیستان به نام‌های یوسف و ابراهیم سگری بودند (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳). احوال سگری (فضائل، ۱۳۶۲: ۱۹۵) یا احوال محرر (متوفای قرن دوم قمری) یکی از شاگردان یوسف سگری بود که به سبب ذوق و هنرش مورد حمایت یحیی برمکی قرار گرفت و در خدمت وی ظرافت‌های خوشنویسی را آموخت و از خوشنویسان مشهور و زبردست روزگار عباسیان شد. در *الفهرست* ابن‌ندیم در احوال او چنین آمده است: «وی در معانی خط و اشکال آن دانش بسزایی داشت» (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۴).

احوال سگری به رموز خط و کتابت و ظرافت‌های خوشنویسی آگاه بود و بدین سبب در عصر مأمون در زمره کتاب خاص قرار گرفت. یکی از کارکردهای خوشنویسان نگارش نامه‌های سیاسی و فتح‌نامه‌ها با خطوطی زیبا و ظریف بود. احوال سگری چون خطی نیکو داشت، کاتب نامه‌های مهمی بود که از طرف خلیفه برای ملوک اطراف بر طومار نوشته و فرستاده می‌شد (همان، همان‌جا). او در سایه حمایت‌های مالی وزیر خلیفه عباسی به تحقیق و بحث در زمینه رسوم و قوانین کتابت پرداخت و رساله‌های ارزشمندی در اصول و قوانین خط نگاشت؛ از جمله آنان رساله جامع است (راهگیری، ۱۳۴۶: ۵۵). همچنین گام‌هایی به منظور قانونمند کردن قلم‌ها برداشت و آنها را براساس درستی و ریزی دسته‌بندی کرد (رفیعی، ۱۳۴۵: ۳۸۹) و قلم طومار را در دسته نخست جای داد. ظهور برخی اقلام از جمله قلم مسلسل را که همه حروف آن به هم پیوسته بود، به او نسبت داده‌اند (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳). احوال این قلم را از قلم ریاسی استخراج کرده بود و به آن سروسامان بخشید (رفیعی، ۱۳۴۵: ۳۸۹). قلقلشندی در *صبح الاعشی* خطوط دیگری را نیز به او نسبت می‌دهد که عبارت است از: «مومرات» (خاص مکاتبه امیران)؛ «خط قصص» (برای نگارش بر ورق‌های کاغذ کوچک)؛ «غبار الحیله» (ویژه امور سری و بستن به بال کبوتر نامه‌بر) است (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳). علاوه بر این خطوط، ابن‌ندیم نیز سجلات، عهود، امانات، دیباج، مدیج و مرصع را هم به او نسبت داده است (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۴). نگارش سندی به خط احوال سگری از سوی مأمون برای امپراتوری روم شرقی که به خاطر زیبایی‌اش در قسطنطنیه به نمایش درآمد، مورد تأیید برخی از تذکره‌نویسان است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱).

خوشنام بصری (متوفای اواخر قرن دوم قمری) و مهدی کوفی (متوفای قرن دوم) نیز از

خطاطان مورد حمایت خاندان برامکه بودند (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۲). دربارهٔ تبجر و زیبانویسی خوشنام چنین آمده است که: «الف‌هایی می‌نوشت به ارتفاع یک ذراع و در عین حال آنها را فقط با یک حرکت دست می‌نوشت» (Safadi, 1978: 225).

یحیی برمکی وزیر سیاستمدار عباسی برخی از خوشنویسان را که علاوه بر هنر خوشنویسی از دانش دیگری نیز بهره داشتند، در دستگاه حکومتی منصوب می‌کرد و زمینهٔ رشد و ترقی آنان را در دارالخلافه مهیا می‌کرد. احمد بن ابی‌خالد (متوفای ۲۱۱ ق) به سبب زیبایی خطش مورد تحسین و تمجید یحیی برمکی قرار گرفت و چون به امور دیوانی نیز تسلط داشت، به دستور یحیی برمکی به ریاست دیوان چند اردن منصوب شد (فضائلی، ۱۳۶۲: ۱۹۵). حمایت‌های گستردهٔ یحیی برمکی از ابی‌خالد تا زمانی که بر مسند وزارت بود، ادامه داشت و هنگامی که وزیر به خشم هارون گرفتار و زندانی شد، در نامه‌ای به فضل بن سهل وزیر خواستار حمایت او از احمد بن ابی‌خالد شد. یحیی برمکی در برخی موارد کاتبان مخصوص خویش را برای امور سیاسی و اطلاع از اوضاع یک منطقه، بدان دیار منصوب می‌کرد. او که برای گسترش نفوذ هارون تلاش می‌کرد، کوشید تا «اسماعیل بن صبیح» کاتب خود را به دیوان شام بگمارد و بدین ترتیب از اخبار بیشتر آگاه شود. البته هادی دریافت و یحیی ناگزیر اسماعیل را به حران فرستاد (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۱۲۷).

خاندان برامکه علاوه بر رونق بخشیدن به خطاطی در عصر خلافت عباسیان، در جهت پیشرفت و گسترش این هنر فاخر گام‌های بلندی برداشتند که همانا احداث کارخانه کاغذسازی بود. بنا بر روایات، فضل بن یحیی اولین کسی بود که در بغداد کارخانه کاغذسازی بنا کرد (بووا، ۱۳۳۶: ۱۱۲؛ شیمل، ۱۳۶۸: ۴۴). به کارگیری کاغذ سیر تکامل خوشنویسی را در درون و برون دستگاه حکومتی و دیوان‌ها به دلیل منسوخ شدن استفاده از پوست آسان ساخت. به نظر می‌رسد این خاندان نخستین کسانی بودند که استفاده از کاغذ و مرکب را در خوشنویسی رایج کردند (جاحظ، ۱۴۲۴: ۲۸/۱). جاحظ در کتاب خود به خدمات وزیران ایرانی هارون و کوششی که زناده (مانوی‌ها) در انتخاب کاغذهای پاک و صیقلی و مرکب‌های درخشنده و همچنین تشویق و بزرگداشتی که از خوشنویسان می‌کردند، اذعان کرده است.

در این دوره خوشنویسان و دبیران در جامعه مقام و منزلتی مهم یافتند. این امر به

خوبی در کتاب هزار و یک شب نمایان است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۲). بذر هنر خوشنویسی در دوره هارون با تشویق و حمایت وزرای هنردوستش پاشیده شد و در زمان خلافت مأمون به ثمر نشست. سال‌های خلافت مأمون دوره درخشان خوشنویسی اسلامی بوده است. زیانویسی، شوق یادگیری و حمایت عامه مردم از خطاطی در این دوره کاملاً مشهود است.

ب. فضل بن سهل سرخسی

فضل بن سهل سرخسی (متوفای ۲۰۲ق) اولین وزیر خوشنویس دربار مأمون بوده است (عقیلی، ۱۳۶۴: ۷۰). سهل مجوسی پدر فضل از دوستان و نزدیکان یحیی بن خالد بود و یحیی بیشتر امور اداری خود را به او واگذار می‌کرد (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۱۶۲). فضل بن سهل نخست کار تصدی دخل، خرج و پیشکاری یحیی بن خالد را برعهده گرفت و در سایه پشتکار و درایت خود، در زمان مأمون به منصب وزارت رسید و به ذوالریاستین (صاحب شمشیر و قلم) ملقب شد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۴۷۷/۱۲؛ عقیلی، ۱۳۶۴: ۶۹). نیکی و بخشش بیش از حد او به دانشمندان و هنرمندان باعث شده بود او را با برامکه قیاس کنند (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۳۸۶). وی از دوستداران و حامیان یوسف سگزی استاد خوشنویس ایرانی بود و همان کسی است که احوال محرر را وارد دربار مأمون عباسی کرد (قلقشندی، [بی تا]: ۱۷/۳) و فرصت درخشانی را برای رشد و ترقی خط اسلامی فراهم کرد. فضل بن سهل همچنین به توصیه یحیی برمکی، احمد بن ابی خالد را که خطی خوش و نیکو داشت، تحت حمایت خود قرار داد و وارد دارالخلافة عباسی کرد و در زمان وزارت خود دیوان تویع^۱ و فض^۲ و خاتم^۳ را به احمد واگذار کرد. احمد بن ابی خالد پس از مدتی به خاطر زیبایی خطش که آن را مدیون آموزش‌های یحیی برمکی بود، در زمره کتاب خاص

- ۱ تویع یعنی نشان کردن پادشاه بر نامه (دهخدا، ۱۳۳۰: ذیل کلمه). وظیفه این دیوان نگهداری مهر و همچنین توقیعاتی بود که امراء در پایان نامه‌های مهم خود به عنوان امضاء درج می‌کردند (ابن طیفور، ۱۴۲۳ق: ۶۱).
- ۲ دیوان الفض احتمالاً یک بخش از دیوان رسایل بوده که نامه‌ها و اسناد را دریافت و آنها را طبقه‌بندی می‌کرد و به عرض وزیر می‌رساند و نسخه‌ای از آن‌ها را نگه می‌داشت (متز، ۱۳۶۴: ۹۹/۱).
- ۳ دیوان خاتم یا مهر در زمان معاویه تأسیس شد. در این دیوان نسخه‌ای از هر نامه یا سندی تهیه و نگهداری می‌شد و در عین حال اصل آن نیز بازبینی و مهر می‌شد و سپس ارسال می‌شد. این دیوان برای نظارت بر اسناد و جلوگیری از جعل آنها تأسیس شده بود (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲۵).

مأمون قرار گرفت و در نهایت بر مسند وزارت مأمون تکیه زد. احمد بن ابی‌خالد از ماهرترین و زبردست‌ترین افراد در نوشتن قلم محقق^۱ بود.

فضل بن سهل که خود از خوشنویسان عصرش به حساب می‌آمد، زمینه ابداع خطی مختص مکاتبات دستگاه حکومتی را فراهم کرد. وی نخستین کسی بود که به فکر جدایی خط اداری از دیگر دو قلم رایج در آن زمان افتاد. در منابع تاریخی چنین آمده است که فضل بن سهل به امر خلیفه عباسی خطی را برای کارهای اداری وضع کرد تا سروسامانی به اقلام رایج در دربار دهد. این خط به خط «ریاسی» معروف شده بود (راهجیری، ۱۳۴۶: ۵۵). ابداع قلم ریاسی از درآمیختن دو قلم نسخ و ریحان بود، اما قلم نسخ آن بر ریحان غالب بود. تذکره‌نویسان این خط را اغلب به سهل بن فضل نسبت می‌دهند؛ گرچه برخی مانند سفادی معتقدند که یوسف سگزی مبدع اصلی این خط بوده و ذوالریاستین حامی او در این کار بوده است. سفادی نقل کرده است که: «یوسف خط جلیل را از اسحاق بن حماد گرفت و عمودها را در این خط اندکی تغییر داد. انحنای باز این خط را مدور کرد و آن را اصلاح نمود. این شاخصه‌ها به ابداع خط زیبا و ظریفی انجامید که مورد توجه فضل قرار گرفت. فضل این خط را تحسین کرد و دستور داد از آن برای نگارش گزارش‌ها و ثبت اسناد آمار اداری استفاده کنند. فضل نام این خط را ریاسی یعنی اداری گذاشت» (Safadi, 1978: 226). از دیگر اموری که در زمان وزارت فضل بن سهل و به حمایت او صورت گرفت، تهذیب و هنری ساختن خط‌ها بود که پس از آن در میان خوشنویسان مورد استقبال فراوانی قرار گرفت.

علاقه به خوشنویسی، زیبانویسی و حس رقابت در دارالخلافة مأمون عباسی چنان اوج گرفته بود که درباریان و کاتبان به یک میزان سعی وافر داشتند تا نوشته‌های ظریف و چشم‌نوازی را به وجود آورند و به مهارت و استادی خویش ببالند. این امر تا بدانجا پیش رفت که این قتیبه از آن شکایت کرد که هدف نهایی کاتبان بر این است تا نوشته‌ای زیبا با خطوط راست و استوار ایجاد کنند و وظیفه علمی آنان فدای عشق و علاقه شدید به مهارت هنری شده است (همایونفرخ، ۱۳۵۰: ۶۸۹).

۱ قلم «محقق» از باب حقق/تحقیق به معنی استوار و محکم؛ خطی شکوهمند، وزین و درشت با فواصل منظم و معین است که تمامی حروف آن در هیئت مفرد و مرکب کامل و صحیح است. این قلم بیشتر شبیه کوفی ساده است.

ت. عبدالله بن محمد بن یزدادین سوید

از میان وزرای مأمون عباسی، آخرین وزیر او عبدالله بن محمد بن یزدادین سوید نیز خطاط بوده است. خاندان ابو عبدالله جملگی خراسانی و بر آیین مجوس بودند. ابن سوید نخستین فرد در میان خاندانش بود که مسلمان شد. وی در کودکی پدرش را از دست داد و تحت حمایت مادرش برای آموزش به یکی از دبیران ایرانی سپرده شد. ابن سوید به خوبی آداب و رسوم بی‌شماری را از ایرانیان فرا گرفت و چندان در کار خویش پیشرفت کرد که پس از مدتی در دیوان مشغول به کار شد. مأمون او را در سال ۲۱۴ ق. به دلیل کاردانی و درایتش به وزارت منصوب کرد و تا زمان مرگ مأمون همنشین و وزیر او بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۱۷).

در زمان مأمون ۲۴ گونه‌ی اصلی قلم وجود داشت، اما زیباترین این اقلام، شیوه‌ی ابداعی فضل یعنی قلم ریاسی بود. به عبارتی می‌توان این‌گونه بیان کرد که ثبات سیاسی حاکم بر جامعه و دربار در این سال‌ها زمینه‌ی فعالیت هنر خوشنویسی در پرتو حمایت وزیران و به دنبال آن، هنرنمایی خوشنویسان را فراهم ساخت. به این ترتیب، از میان شش وزیر مأمون سه تن از آنها خوشنویس و خطاط بودند که بستر بسیار مناسبی را برای رشد و نوآوری این هنر فراهم کردند. به نظر می‌رسد دارا بودن خطی زیبا در جامعه‌ی عصر عباسی مورد اقبال عامه‌ی مردم بوده است.

۲. عصر دوم عباسی و شکوفایی هنر خوشنویسی (۲۳۲-۳۳۴ ق)

پس از عصر مأمون و معتصم عباسی شور و اشتیاق آموختن هنر خوشنویسی از میان مردم رخت بر بست و بیشتر خطوط به فراموشی سپرده شد. به نظر می‌رسد ابداع خطوط مختلف و پیچیدگی‌های موجود در آنها و درباری شدن خط باعث کم‌رنگ شدن این هنر در بین عوام شد و کاربرد قلم‌ها محدود به برخی از خواص و طبقه اشراف، امرا و درباریان بود. البته دزدگی‌های سیاسی و اجتماعی مردم، مشکلات اقتصادی و فضای ناامیدکننده‌ی عصر پس از مأمون در این روند بی‌تأثیر نبوده است و از طرفی، وزیران این دوره نیز اقبال کمتری به این هنر نشان دادند. یکی از دلایل عمده‌ی اعتنایی وزیران به هنر خوشنویسی در این دوره، شرایط سیاسی حاکم بر دربار و عزل و نصب‌های پی‌درپی

وزیران بود که مجالی به آنان برای حمایت‌های مالی و معنوی از هنرمندان و پرداختن به هنر خوشنویسی نمی‌داد. با وجود این، برخی از آنان که قبل از وزارت کاتب یا دبیر بودند، خطی زیبا داشته‌اند که نشان می‌دهد آموزش خط همچنان در دربار رایج بوده؛ گرچه نوآوری خاصی در این زمینه وجود نداشته است.

الف. ابو جعفر محمد بن عبدالملک بن زیات

در روزگار معتصم عباسی وزیرش ابو جعفر محمد بن عبدالملک بن زیات (متوفای ۲۳۳ق) خود از ادیبان و شاعران آن دوره (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۱۷۸) و از حامیان هنر خوشنویسی بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۲۵). وی در زمان معتصم، واثق و متوکل عهده‌دار وزارت بود (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۲۰۲؛ مسعودی، [بی تا]: ۹۳/۴). او خطی بسیار زیبا و نیکو داشت و خط احمد بن محمد بن حفص معروف به «زاقف» را (جزو برترین خطاطان این عصر در قلم ثلث) بسیار می‌پسندید (فضائی، ۱۳۶۲: ۲۴۱). ابن زیات این هنرمند خوشنویس را وارد دارالخلافه عباسی کرد و به عنوان منشی مخصوص خود انتخاب کرد و مورد حمایت معنوی و مادی خویش قرار داد.

ب. عبیدالله بن یحیی بن خاقان و سلیمان بن وهب بن سعید

عبیدالله بن یحیی بن خاقان از وزیران متوکل عباسی، گرچه مردی بی‌انضباط و کارهایش درهم و برهم بود، اما خطی نیکو داشت (همان، ۳۲۹). همچنین سلیمان بن وهب بن سعید (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۴۰) که در زمان المهتدی وزارت او را عهده‌دار بود، از خوشنویسان عصر خود بود (همان، ۳۳۹). آنان همچون خاندان برمکی و سهل از بزرگان، دانشوران و مردمی فاضل، بزرگوار، کریم و در امور سیاسی با تدبیر و کاردان بودند. دولتشان همواره تازه، نو و روزگارشان درخشان بود. در دوره آنها بساط ادب گسترده بود و مراسم کرم و بزرگواری رواج داشت. سلیمان بن وهب از حیث فضل، ادب، نامه‌نگاری و دفترنویسی سرآمد کاتبان عصر خویش بود و یکی از خردمندان و صاحبان رأی به شمار می‌آمد. وی در سرودن شعر نیز ید طولایی داشت (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۱۸۸). خلیفه مأمون عباسی او را به سبب خط زیبا و نامه‌ای که نوشته بود، حمایت کرد. گزارش شده است که سلیمان در

آغاز نوجوانی در خدمت محمد یزداد وزیر خوشنویس مأمون بود و در دارالخلافة در امور مختلف به او کمک می‌کرد. روزی در غیاب محمد یزداد، مأمون از او خواست پیش‌نویس نامه‌ای را برایش بنویسد. او نیز نامه را نوشت و پاک‌نویس کرد و به مأمون داد. مأمون از خواندن نامه رضایت خویش را اعلام کرد و پس از آن کارهای مهم را به عهده سلیمان گذاشت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۶۴/۱۲).

پ. احمد بن عبیدالله بن احمد بن خصب

از دیگر وزرای خوشنویس عصر دوم عباسی، می‌توان به احمد بن عبیدالله بن احمد بن خصب (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۶۹) از وزیران المقتدر بالله عباسی اشاره کرد. ابوالعباس احمد بن عبیدالله بن احمد الخصبی قبل از وزارت منشی مادر مقتدر بود (همان، همان‌جا). وی علاوه بر اینکه به علوم ادبی و دیوانی آگاه بود، از خطی زیبا و بلیغ نیز بهره‌مند بوده است.

ت. ابوالحسن علی بن محمد بن فرات (۲۴۱-۳۱۲ق)

ابوالحسن علی بن محمد بن فرات (۲۴۱-۳۱۲) نیز جزو وزیرانی بود که خطی نیکو و زیبایی داشت. خاندان فرات جملگی اهل «صریفین دجیل» از توابع بغداد بودند (صابی، ۱۳۴۶: ۱۱). این خاندان شیعه‌مذهب که در سده‌های سوم و چهارم قمری زندگی می‌کردند، از حیث فضل، کرم، شرف، وفا و جوانمردی سرآمد مردم روزگار بودند (حسن، ۱۳۹۲: ۶۰۴). ابن فرات در زمان عباسیان سه دوره بر مسند وزارت نشست (صابی، ۱۳۴۶: ۱۱). گویا او نیز به مانند دیگر وزرای خوشنویس پس از مأمون، نوآوری خاصی در خطاطی نداشته است، اما یکی از خدمات ارزشمند و قابل ستایش او در زمینه خوشنویسی حمایت بی‌دریغ از ابن مقله پیغمبر خط بوده است. ابن فرات در شمار ارادتمندان و دوستان ابن مقله بود که او را وارد دارالخلافة عباسی کرد و در سالیان بعد مادامی که ابن مقله در زندان به سر می‌برد، جویای احوالات او بود و برایش نامه می‌نوشت. ابن مقله همان کسی است که پس از سال‌ها جان دوباره در کالبد خوشنویسی اسلامی دمید.

وزیران دربار عباسی در این دوره نقش چشمگیری در رشد و شکوفایی خوشنویسی نداشتند، اما در زیبانویسی مهارت خوبی داشتند. در عصر دوم عباسی نسبت به دوره قبل

استفاده از نشانه‌های سجاوندی (علائم نقطه‌گذاری) و در موارد بسیاری اعراب‌گذاری در هنر خوشنویسی رواج بیشتری یافت (مقتدایی، ۱۳۹۴: ۳۹۲) و خطوط از زیبای خاصی بهره‌مند شدند؛ آنچنان‌که به اعتقاد علی‌بن عیسی وزیر عباسی، نشانه‌های سجاوندی یک نوشتار چون پارچه‌ای است که هنرمندانه طراحی شده باشد (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۵).

ج. ابن‌مقله نگینی بر هنر خوشنویسی

رکود و یکنواختی در هنر خوشنویسی با روی کار آمدن ابن‌مقله وزیر هنرمند عباسیان به پایان رسید. ابن‌مقله که وزارت سه تن از خلفای عباسی را برعهده داشت، بنا بر روایات متون تاریخی در دوران خود نادره‌ای به تمام معنا بود و یکی از خدمتگزاران مهم در پیشرفت هنر خوشنویسی بود. ابوعلی محمدبن علی‌بن مقله در سال ۳۱۶ق. برای مدتی عهده‌دار وزارت شد. وی نخست در یکی از دیوان‌ها خدمت می‌کرد و پس از مدتی به ابوالحسن‌بن فرات پیوست و از خواص او شد (ابن‌قططقی، ۱۳۶۷: ۳۷۰). ابن‌مقله نزد ابن‌فرات می‌نشست و نامه‌های ارباب‌رجوع را می‌گرفت و به ابن‌فرات گزارش می‌داد. او همچنان در این شغل باقی ماند تا آنکه کارش رونق گرفت. ابن‌مقله طی چند سال وزیر سه تن از خلفای عباسی یعنی مقتدر، القاهر و الراضی بالله بوده است.

ابن‌مقله در هنر خوشنویسی به همراه برادرش عبدالله اقلام مختلفی (محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع)^۱ را از قلم کوفی استخراج کرد (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۷؛ الکردی المکی، ۱۹۳۹: ۲۲۵). البته با توجه به قراین این خطوط دو‌یست سال قبل از ابن‌مقله متداول بوده و به همین دلیل بهتر است گفته شود آنها این خطوط را تکمیل کردند (الکردی المکی، همان، ۲۲۶).

۱ قلم ریحان: پس از محقق آمد و از آن جدا شد. ریحان به معنای خوشبو و نازبو است. بسیار ظریف و لطیف است و شکل کوچک محقق است. اقلام محقق و ریحان در نوشتن مصحف و دیوان به کار می‌رفت.
قلم ثلث: از اقلام ابداعی ابن‌مقله است که ریشه در قلم کوفی دارد و به نام ام‌خطوط معروف است. خاندان بنی‌عباس بسیار در رواج آن کوشیدند. جزو اقلام محکم و مستدیر است که برای نوشتن کتیبه و سرلوح و عناوین به کار می‌رفت.
قلم نسخ: قلمی یکنواخت، کامل، معتدل منظم و روشن است که برای کتابت نامه‌ها به کار می‌رفت.
قلم رقاع: در لغت به معنای رقع و به معنی پاره‌هاست. گونه‌ای از قلم است که با آن مکاتبات دیوانی و قصه‌ها را بر روی رقع کتابت می‌کردند و حروف و صور آن شبیه به ثلث و توقیع بود. به سبب ریزی و لطافت این قلم، در نوشتن آیات قرآن و کتب و تاریخ به کار می‌رفت.
قلم توقیع: این قلم را به این نام می‌خوانند؛ زیرا وزرا و خلفا بر پشت کتب و نامه‌ها با این قلم می‌نوشتند. توقیع در لغت به معنای دستخط و امضاست و ریشه در قلم ثلث دارد و شبیه به آن است. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: فضالی، ۱۳۶۲.

این دو برادر به سبک پدرانشان می‌نوشتند. با اینکه گروهی از خانواده و فرزندانشان به نویسندگی و خطاطی مشغول بودند، اما سرآمد آنان ابن‌مقله بود که به جایگاهی رفیع در هنر خوشنویسی دست یافت. ابن‌ندیم در مورد هنر خوشنویسی دو برادر نوشته است: «ابوعلی در خط توقیع و ابوعبدالله در خط نسخ یگانه بودند» (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۷). مقام ابن‌مقله در خوشنویسی از دو جهت قابل بررسی است: ۱. ابداع اقلام گوناگون؛ ۲. زیباسازی مفردات و ترکیبات ساختاری حروف و کلمات.

د. ابداعات ابن‌مقله در هنر خوشنویسی

ابن‌مقله را مخترع و مبتکر رسم الخط بدیع و خط جدید عربی می‌دانند، اما مهم‌ترین کار او وارد کردن هندسه (فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۹۶) و استفاده کاربردی از آن در خوشنویسی است. ابن‌مقله کوشید از دشواری‌های قلم کوفی بکاهد تا همه مردم به فراگیری آن مشتاق شوند. به نظر می‌رسد آشتی دادن مردم با این هنر، رونق و فراگیر شدن دوباره آن، از دغدغه‌های اصلی ابن‌مقله بوده است.

ابن‌مقله در نخستین گام قواعد استوار و منطقی و روش‌های نگارش علمی را تدوین کرد و اولین اصول مدون اقلام را به رشته تحریر درآورد (ولایتی، ۱۳۹۰: ۴۱). قاعده خط ابن‌مقله بر مبنای دور و سطح بود (خلیلی، ۱۳۸۰: ۱۱۸/۲-۱۱۹). او از قلم کوفی قلمی ساخت و آن را «محقق» نامید (فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۹۸). سپس با تربیت شماری از مستعدین به تبلیغ آن پرداخت و قلم محقق را به سبب اشکال یکدست و یکنواخت خاص درشت و منبسط در کمال روشنی و استواری، مخصوص تحریر آیات قرآن و کتب دین قرار داد. پس از آن قلم ریحان را از قلم محقق استخراج کرد (زین‌الدین، ۱۳۹۳: ۳۴). قلم ریحان با خصوصیات محقق و در ابعاد کوچک‌تر بود و به واسطه ظرافتش آن را به گل و برگ ریحان تشبیه کرده‌اند. ابن‌مقله این قلم را نیز آموزش داد و طولی نکشید که این قلم در مراکز علمی و تحصیلی و در میان عامه مردم متداول شد. قالب بعدی ثلث بود. یک‌سوم حرکات آن سطح و دو سوم آن دور بود؛ به همین دلیل به آن ثلث می‌گفتند (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۱). قلم ثلث مخصوص معماری بود و آیات الهی را به زیباترین وجه بر سیمای اماکن متبرکه جلوه‌گر می‌ساخت.

ابن مقبله قلم نسخ را در سال ۳۱۰ق. در زمان مقتدر عباسی و وزارت ابن فرات اختراع و وضع کرد و با خلق این قلم، نسخ اقلام آشفته کتابت متداول در عصر خویش شد. نسخ در لغت به معنی محو و باطل کردن است (ولایتی، ۱۳۹۰: ۴۸). او اساس قواعد قلم نسخ را به نقطه استوار کرد و دوازده قاعده برای کیفیت و امتیاز آن مقرر کرد (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۴۵۴). این قواعد دوازدهگانه عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن^۱ خواندن و نوشتن قلم نسخ^۲ بسیار ساده و روان است و از خواناترین خوشنویسی‌های اسلامی به شمار می‌رود. قلم نسخ معمولاً برای نوشتن قرآن و ثلث برای درشت‌نویسی، به خصوص کتیبه‌های سردر مسجدها و کاشی‌کاری به کار می‌رفت. قلم محقق و ریحان مخصوص قطعه‌نویسی، توقیع و رقاع مخصوص نوشتن کارهای روزانه و نامه‌نگاری بوده است (شیمیل، ۱۳۶۸: ۴۱).

پس از نسخ، ابن مقبله قلم رقاع (مقتدایی، ۱۳۸۴: ۴۱۸) را با پنج دانگ سطح و نیم دانگ دور ابداع کرد تا رقع‌ها و فرمان‌های حکام ولایات با آن نوشته شود. رعایت میزان هندسی حروف با توضیح روابط میان اجزای حروف، در دایره‌ها تکمیل و مقرر شد و تا امروز برای خوشنویسان باقی مانده است. در این قلم، مبنای کمال تناسب حروف با یکدیگر است. فضایی می‌نویسد (۱۳۶۲: ۲۹۹) هرکس که به خوشنویسی عشق

۱ قاعده ترکیب یعنی آمیزش و در کنار هم قرار گرفتن هماهنگ و دلپذیر حروف، کلمات، جمله‌ها و سطرها با یکدیگر. به گونه‌ای که از حُسن ترکیب برخوردار باشند. قاعده کرسی یعنی اینکه نوشتن با توجه به خط کرسی یا همان خط زمینه انجام شود. قاعده نسبت (تناسب و هم‌اندازگی) یعنی اینکه شکل‌ها و حروف مشابه هم در همه موارد به یک اندازه باشند. قاعده ضعف: از قواعد خوش‌نویسی رعایت نازکی در حروف است که باید رعایت شود. قاعده قوت: رعایت ضخامت در حروف است که زیباترین شکل آن در آخر کشیده‌ها دیده می‌شود. قاعده سطح: از قواعد خوش‌نویسی حالت خشکی است که به چشم می‌آید و فقط در اوایل کشیده‌ها است. قاعده دور: حالت نرمی و دایره‌وار بودن حروف است که نهایت آن در آخر کشیده است و اعتدال سطح و دور را باید در خط استادان یافت. برای مثال، در خط دیوانی بیشتر دور می‌باشد. قاعده صعود مجازی: از قواعد خوشنویسی حرکت قلم از پایین به بالا را می‌گویند به شرطی که مستقیم نباشد؛ مانند نوشتن آخر کشیده‌ها. قاعده نزول مجازی: حرکت قلم از بالا به پایین است و حالت مستقیم ندارد؛ چون اوایل کشیده‌ها. قاعده صفا (شادابی): حالتی از خط است که طبع را شاد و چشم را روشن می‌سازد. قاعده اصول یا استواری، به معنی حسن نگارش حروف و استحکام آنها از جهات قوت، ضعف، سطح، دور، صعود، نزول است. قاعده شأن یا دلنشینی، کیفیتی از خط است که چون پدید آید خطاط به نگرستن در خط مجذوب شود و احساس خستگی نخواهد کرد. دو اصطلاح «صفا» و «شأن» صفت خطی است که به مرحله کمال رسیده باشد و پس از سال‌ها تمرین و کارآزمودگی در خوشنویسی پدید می‌آید. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: فضائی، ۱۳۶۲.

۲ در قلم نسخ برخلاف ثلث حروف و کلمات پس و پیش و سوار بر یکدیگر نوشته نمی‌شود و به همین سبب خواناتر از ثلث است.

می‌ورزد، این گفته ابو حیان توحیدی صاحب رساله علم الکتابه را تصدیق می‌کند که: ابن مقله پیغمبر خط است و دست او همچون زنبور عسل در ساختن خانه‌های مسدس در قالب‌ریزی خط ملهم شده است.

زیباسازی در مفردات و ترکیبات خطوط

سهم عمده ابن مقله در راه تکامل زیبانویسی و نسخ این بود که تناسب حروف را بر مبنای الف سنجد (سرمدی، ۱۳۷۹: ۳۰۲). به‌طور کلی تطور تکامل زیبایی راستین و استواری کامل خط بر مبنای مقیاسی متین، با نام ابن مقله همراه است؛ به همین دلیل نام وی در فرهنگ و معارف اسلامی نه تنها میان خوشنویسان، بلکه شاعران نیز ضرب‌المثل شد و به «امام الخطاطین» ملقب شد (اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴۵). صاحب بن عباد درباره او تکبیتی با این مضمون سروده است:

خط وزیر ابن مقله بسان قلب و مقله [تخم چشم]
(فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۹۹)

سعدی ظرافت او را در خوشنویسی چنین ستوده است:

گر ابن مقله دگر باره در جهان آید چنان که دعوی معجز کند به سحر مبین
به آب زر تواند کشید چون تو الف به سیم حل ننگارد به سان ثغر تو سین
کاش ابن مقله بودی در حیات تا بمالیدی خطش بر مقلتین
(سعدی، [بی‌تا]: ۴۷۹)

حتی در زمانه ما شاعر مصری ملک الشعرا شوقی، الف‌های خط ابن مقله را به دلیل ظرافت و زیبایی به ستون‌های قصر الحمراء تشبیه کرده است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱).

در زمان خلاف الرازی بالله (۳۲۲-۳۲۹ق) در پی اختلاف با ابن‌رائق امیرالامراء، به دستور خلیفه دستش را بریدند. با این همه قلم را به بازو بست و به خطاطی و نوشتن ادامه داد. نوشته‌هایش را اغلب در مقام احسان و نفقه به محتاجان اکرام می‌کرد. پس از آنکه الرازی پزشکی را برای مداوای دست او فرستاد، گفت: «چگونه دست مبارکی که خدمت خلفا کرده و دو بار قرآن نوشته، مثل دست دزدان نقب‌زن بریده شد». آنگاه گریه سر داد و این بیت را سرود:

اذا مات بعضک فابک بعضا فان البعض من بعض القریب

(ولایتی، ۱۳۹۰: ۴۱)

«وقتی قسمتی از وجود تو مرد و از بین رفت، بر بقیه دیگر گریه کن؛ زیرا آن قسمت دیگر هم به اولی نزدیک است.»

ابن مقله هیچ‌گاه از تلاش برای آموزش و یادگیری خوشنویسی حتی بعد از بریده شدن دستش، دست برداشت و ماهرانه به خطاطی ادامه داد و شاگردان بی‌شماری را تربیت کرد که از معروف‌ترین شاگردان او محمدبن اسعد (ابن خلکان، ۱۴۱۹: ۳۴۲/۳-۳۴۳) و محمدبن سمسانی (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳) بودند و ابوالحسن علی بن هلال (متوفای ۴۱۳ق) ملقب به «ابن بواب» خوشنویس مشهور قرن چهارم قمری، از شاگردان این دو تن بوده است (فضائلی، ۱۳۶۲: ۳۰۰). برخی منابع گزارش داده‌اند که ابن بواب از شاگردان دختر ابن مقله در خطاطی بوده (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۵) و او روش ابن مقله را به ابن بواب آموخته است. تأثیر خط ابن مقله بر هنر خوشنویسی ابن بواب چنان بود که با مهارتی خاص خطوط استاد خود را کتابت می‌کرده است. نخجوانی گفته است: ابن طقطقی از کتابی یاد کرده که ابتدا می‌پنداشته به قلم ابن مقله است، اما زمانی که نظر یاقوت مستعصمی از خوشنویسان مشهور قرن پنجم را درباره آن جویا شد، یاقوت تشخیص داد که این کتاب به خط ابن بواب است که با شیوه ابن مقله آن را نوشته است (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۲۰۸). شهرت ابن مقله علاوه بر زیبایی خط و ابداع خطوط مختلف، مرهون خلق آثاری است که به او نسبت داده شده است. مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- رساله فی العلم الخط در دار الکتب مصر؛
- رساله الخط در مکتب عطارین تونس؛
- اصناف الکتاب و مقدمه فی الخط در مغرب؛
- «قرآنی» که جزء سی را ندارد و توسط ابن بواب تکمیل شده است. این قرآن در کتابخانه بهاء الدوله در شیراز توسط ابن بواب پیدا شد؛
- نامه‌ای به استادش اسحاق بن ابراهیم الاحول و قرآنی دیگر به خط او که در اندلس است و در مسجد العدیس در اشبلیه نگهداری می‌شود؛
- کتاب الاختیار الاشعار و جمل الخط؛

چند نامه نیز از او به جا مانده است؛ نامه‌ای برای فرماندهان سپاه و حکام ولایات، نامه‌ای برای عبدالله البریدی و نامه‌ای برای ابن فرات زمانی که در حبس بود (وزیری، ۱۳۸۱: ۱۶). سرانجام این وزیر هنردوست و هنرپرور در سال ۳۲۸ق. چشم از جهان فانی فرو بست.

تصویر ۱. نمونه خط ابن مقله



تصویر ۲. نمونه‌ای زیبا از قرآنی به خط ابن بواب^۱



جدول ۱. وزیران خوشنویس عباسی تا پایان خلافت راضی

نام وزیر	نام خلیفه	مدت وزارت	شغل قبل از وزارت	ملیت	اقدامات
یحیی برمکی	هارون	۱۷۰-۱۷۶ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس، حمایت از اسحاق بن حماد مؤسس مدرسه خوشنویسی، ضحاک بن حماد، احوال محرر نویسنده رساله جامع در خوشنویسی و مخترع خطوط خفیف، الثلث، مومرات و اقلام مسلسل و غیره. حمایت از خوشنام بصری و مهدی کوفی و احمد بن ابی خالد...
احمد بن ابی خالد	مأمون	۲۰۵-۲۱۰ق	کاتب	عرب نژاد	خوشنویس، ابداع قلم محقق، نویسنده نامه‌های خلیفه به کشورهای دیگر.
فضل بن سهل	مأمون	۱۹۶-۲۰۲ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس، حمایت از یوسف سگری خطاط، معرفی خوشنویس معروف احوال محرر به مأمون عباسی، حمایت از احمد بن ابی خالد خطاط، ابداع خط ریاسی.
ابو عبدالله محمد بن یزید ابن سوید	مأمون	۲۱۴-۲۱۸ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس
عبد الملک بن زیات	معتمد - واثق	۲۲۲-۲۲۳ق ۲۲۵-۲۲۷ق	کاتب	عرب نژاد	خوشنویس، حمایت از احمد بن محمد حفص (زاقف)
عبیدالله بن یحیی خاقان	متوکل	۲۴۰-۲۴۷ق ۲۵۶-۲۶۳ق	کاتب و دبیر	ایرانی	خوشنویس
سلیمان بن وهب	المهتدی	۲۵۶ق ۲۶۳-۲۶۵ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس
ابو العباس احمد بن عبید	مقتدر	۳۱۳-۳۱۴ق	منشی مادر	عرب نژاد	خوشنویس

نام وزیر	نام خلیفه	مدت وزارت	شغل قبل از وزارت	ملیت	اقدامات
الله بن احمد بن خصیب			مقتدر عباسی		
ابوالحسن فرات	مقتدر	۲۹۶-۲۹۹ ق ۳۰۴-۳۰۶ ق ۳۱۱-۳۱۲ ق	نویسنده و ادیب	عرب نژاد	خوشنویس، حمایت از ابن مقله (امام الخطاطین)
ابن مقله	مقتدر، قاهر راضی	۳۱۶-۳۱۸ ق ۳۲۰-۳۲۱ ق ۳۲۲-۳۲۵ ق	کاتب	عرب نژاد	پیغمبر خط، استخراج شش خط از خط کوفی، زیباسازی مفردات و ترکیبات ساختاری حروف و کلمات، استفاده کاربردی از هندسه در خط، تدوین قواعد و اصول خط، آسان کردن یادگیری خط برای عموم، آشتی دادن مردم با هنر خط. تألیف کتاب‌هایی در خط مانند رساله فی العلم الخط، رساله خط، اصناف الکتاب، الاختیار الاشعار و جمل الخط، تألیف ۲۹ جزء از قرآن کریم، پرورش استادانی بزرگ در خوشنویسی نظیر محمد بن سعد، محمد بن سمسانی و ابن بواب.

نتیجه گیری

عصر عباسی فرصت‌های ممتازی را برای بروز رشد و شکوفایی هنرمندان در شاخه‌های مختلف هنری به‌ویژه خوشنویسی پدید آورد. در عصر عباسی از خلافت سفاح تا پایان خلافت الراضی (۱۳۲-۳۲۹ ق) وزیرانی که به مسند وزارت منصوب می‌شدند، اغلب از میان کاتبان یا دبیران انتخاب می‌شدند. برخی از آنان به فنون و ظرافت‌های خوشنویسی

آشنا بودند و بنا بر طبع هنرمند و هنرپرورشان هنر خوشنویسی را مورد حمایت خویش قرار می‌دادند. بر همین اساس، می‌توان این زمان را عصر اعتلا و رشد هنر خوشنویسی و زیبانویسی دانست که اساس و پایه آن را وزیران دربار عباسی برعهده داشتند. در دوره اول خلافت عباسی، به یمن وجود وزرای چون یحیی برمکی و حمایت و علاقه او به زیبانویسی، برای نخستین بار خطاطی به عنوان هنر مورد توجه کاتبان و به تبع اقبال عامه مردم قرار گرفت. در این عصر با حمایت‌های اقتصادی وزیران کتاب‌هایی در زمینه خوشنویسی و خطاطی به رشته تحریر درآمد و راه را برای فراگیری و آموزش این هنر در میان علاقه‌مندان هموار کرد. از سوی دیگر، وزیران عباسی با حمایت از هنرمندان نیازهای مالی آنان را برطرف و یا آنان را در مقام‌های عالی مرتبه منصوب می‌کردند که ثمره آن مطرح شدن هنرمندانی چیره‌دست و زبردست در این عرصه بود که زمینه رشد خوشنویسی و ابداع خطوط مختلف را فراهم کردند. این توجهات در دوران مأمون و در سایه حمایت‌های بی‌دریغ وزیرش فضل بن سهل باعث رونق هنر زیبانویسی در خطاطی شد. علاقه به زیبانویسی، آزادی عمل خوشنویسان و رقابت شدید خطاطان، در این زمان باعث پیدایش و ظهور اقلام جدید و متنوعی شد. در دوره دوم عباسی به دلیل مشکلات اقتصادی در سرزمین‌های خلافت عباسی و همچنین تنش در امور سیاسی دربار، علاقه و توجه به این هنر اصیل رنگ باخت و وزیران علاقه‌ای به توسعه و گسترش خوشنویسی نشان نمی‌دادند، اما با ظهور ابن‌مقله هنر خوشنویسی جانی تازه گرفت. ابن‌مقله که وزارت سه تن از خلفای عباسی را برعهده داشت، با وضع قوانین خوشنویسی آسان و قابل فهم کردن خطاطی، این هنر را به میان عامه مردم بازگرداند. تلاش‌های او باعث تکمیل خطوط قدیمی و همچنین ابداع خطوطی زیبا و دل‌انگیز شد. ابن‌مقله علاوه بر ابداع خطوط، به ثبت و وضع قوانین در هنر خوشنویسی نیز اقدام کرد که کاربرد این قوانین تا روزگار ما نیز ادامه دارد.

منابع و مآخذ

- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، *الکامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج ۱۲، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.

- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۴۱۹)، *وفیات الاعیان و انباء الانباء الزمان*، تحقیق یوسف علی طویل، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن طیفور، ابوالفضل احمد بن طاهر (۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م)، *کتاب بغداد*، تحقیق عزت العطار الحسینی، قاهره: مکتبه خانجی.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۶۷)، *تاریخ فخری* ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶)، *الفهرست*، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اصفهانی، میرزا حبیب (۱۳۶۹)، *تذکره خط و خطاطان*، ترجمه رحیم چلوش اکبری، تهران: انتشارات مستوفی.
- بووا، لوسین (۱۳۳۶)، *برمکیان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۲۴ق)، *الحوار*، محشی محمد باسل عیون سود، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
- جهشیاری، محمد بن عبدوس (۱۳۴۸)، *الوزراء و الکتاب*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: [بی نا].
- حسن، حسن ابراهیم (۱۳۹۲)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.
- خلیلی، ناصر و دیوید جیمز (۱۳۸۰)، *کارهای استادانه: قرآن نویسی تا قرن هشتم هجری قمری*، ترجمه پیام بهتاش، ج ۲، تهران: نشر کارنگ.
- راهجیری، علی (۱۳۴۶)، *پیدایش خط و خطاطان*، تهران: انتشارات ابن سینا.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۴۵)، *تاریخ خط و خطاطان*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زین الدین المصرف، ناجی (۱۳۹۳)، *دانشنامه خطوط اسلامی*، تهران: انتشارات گلداسته.
- سبزواری، فتح الله (۱۳۷۲)، *اصول و قواعد خطوط سته*، در کتاب *آرایی در تمدن اسلامی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سجادی، محمدصادق (۱۳۸۵)، *برمکیان*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاری یزدی.
- سمردی، عباس (۱۳۷۹)، *دانشنامه هنرمنان ایران و جهان اسلام*، تهران: هیرمند.
- سعدی، مصلح الدین [بی تا]، *کلیات سعدی*، تصحیح عبدالعظیم قریب، تهران: انتشارات جاویدان.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۱)، «افزارها و آداب نسخه برداری»، ترجمه حسین استادولی، نامه بهارستان، س ۳، ش ۵، ص ۲۱-۳۲.
- شیمل، انه ماری (۱۳۶۸)، *خوشنویسی و فرهنگ اسلامی*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صابی، هلال بن محسن (۱۳۴۶)، *رسوم دار الخلافه*، تصحیح میخائیل عواد، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- صولی، محمد بن یحیی (۱۳۴۱ق)، *ادب الکتاب*، تحقیق محمد شکر آوسی، بغداد: دار الکتب العلمیه.

- صیرفی، عبدالله (۱۳۸۷)، *آداب خط*، در کتاب آرابی در تمدن اسلامی (مایل هروی، نجیب)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۲، تهران: انتشارات اساطیر.
- طقوش محمد سهیل (۱۳۹۴)، *دولت عباسیان*، ترجمه حجت‌الله جودکی، با اضافاتی از رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عقیلی، سیف‌الدین حاجی‌بن نظام (۱۳۶۴)، *آثار الوزراء*، تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فروخ، عمر (۱۹۵۰م)، *الرسائل و المقامات*، بیروت: [بی‌نا].
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۶۲)، *اطلس خط*، اصفهان: انتشارات مشعل.
- قلقشندی احمدبن علی [بی‌نا]، *صبح الاعشى فی صناعة الانشاء*، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، ج ۳، بیروت دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- الکردی المکی الخطاط، محمد طاهر (۱۹۳۹م)، *تاریخ الخط العربی و آدابه*، بیروت: مکتبه الهلال.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲)، *کتاب آرابی در تمدن اسلام*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- متز، آدام (۱۳۶۴)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی*، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، ج ۲، بیروت: مؤسسة الوفا.
- مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین [بی‌نا]، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مقتدایی، علی‌اصغر (۱۳۹۴)، *تاریخ خط و خوشنویسی*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- (۱۳۸۴)، *دائرة المعارف بزرگ خط*، تهران: آراد.
- ناموس خواری، محمدبن علی (۱۳۸۷)، «آلات کتابت و بیان آداب و عادات دبیری»، به کوشش قنبر علی رودگر، *نامه بهارستان*، س ۸ و ۹، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۱۳-۲۲.
- نخجوانی، هندوشاه (۱۳۴۴)، *تجارب السلف*، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه طهوری.
- همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۵۰)، *سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان*، تهران: [بی‌نا].
- وزیری، حسن (۱۳۸۱)، *وزیر مثلث*، تهران: انتشارات امینی.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، *ابن‌مقله*، تهران: امیرکبیر.
- Safadi, Yasin Hamid (1987), *Islamic Calligraphy*, London: Thames and Hudson.

